

روایت

برشی از روایت‌های خدمت چند خادم افتخاری در وبلاگ‌هایی که حالا کمتر فعال هستند

عباس قادری هم آزاد شد!

حالا که نه، ولی قدیم‌ترها وبلاگ‌نویسی رونق زیادی داشت. هر کسی از هر چه دلش می‌خواست وبلاگش را پر می‌کرد و قبل از اینکه فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام داغ شود، به تعبیر همان روزها پست می‌گذاشت. این وبلاگ‌ها این روزها هر چند خیلی به‌روز نمی‌شوند، اما از شیوشان هنوز هم جذابیت‌های خودش را دارد. احمد عبدالله‌زاده‌مهنه گویا روزگاری نه‌چندان دور یکی از همین وبلاگ‌نویس‌های قهار بوده است؛ خادم افتخاری حرم رضوی که بیشتر از روزهای خدمتش نوشته است. او برای به اشتراک‌گذاری مطالبش وبلاگی به نام «کبوتر حرم» راه انداخته که از سال۸۹ کلی خاطره و ماجرا و اتفاق از روزهای شیفتش توی آن گذاشته است؛ خاطراتی که حال‌وهوای متفاوتی دارد و مرورش این روزها خالی از لطف نیست.



◆ **جمعه ۶ مرداد۱۳۹۱**

لابد از پیراهن سفید یقما‌خوندی و کت سُر‌ماهی هم‌رنگ شلوار که از شسدت گرما روی دستم انداخته بودم، فهمیده بود که دارم برای خدمت هفتگی به حرم آقا امام‌رضاع) مشرف می‌شوم، چون تا ننشتم، صدای آهنگ تند ماشینش را کم کرد و بعد برای اینکه خیالم را در این روزهای اول ماه رمضان راحت کرده باشد، گفت: «اصلاً «رضا صادقی» می‌گذارم.» در پاسخ به ادبش «آفرینی» گفتم، ولی از جمله بعدش به فکر فرو رفتم، گویا خواسته باشد آهنگ قبلی را توجیه کند: «عباس قادری هم آزاد شد. ارشاد بهش مجوز داد. می‌گویند چون می‌آید و می‌رود و آن‌ور آب نمی‌ماند.» توی حرم که رسیدیم، گفتیم: خدایا! عباس قادری هم آزاد شد؛ ما را هم از آتش جهنم آزاد کن: «مَنْ عَلَيَّ بَكَارٍ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ»

◆ **شنبه یک اسفند۱۳۹۱**

داشت وسط سخن جامع مثل باد می‌دوید که پام را رویش گذاشتم و نگهش داشتم. مشمای فراری را که داخل سبد عمودی مشمایا گذاشتم، پایین نرفت و از ترس باد، مثل بقیه مشمایا خودش را چسباند به دیواره مشبک سیند. یاد زائرانی افتادم که از ترس توفان‌های سخت روزگار، خودشان را به ساحل امن حرم امام رضاع) می‌رسانند، خودشان را به ضریح می‌چسبانند و راهپیش نمی‌کنند. توفان‌زده‌ایم آقا! ببخش که دیگر توفان‌زده‌ها را فراموش می‌کنیم؛ ببخش که ضریحت را می‌چسبیم و ول نمی‌کنیم!

◆ **یکشنبه ۲۴ شهریور ۹۲**

اینجا مشهد، بولوار امامت، خانه «مادرجان» یعنی مادر بزرگ مهربانم، مدتی است به دیدنش نرفته‌ام و حالا در این دیدار دهه‌کرامتی، دلش تنگ است و از هر دری می‌گوید تا صحبت به ماجرای آمدنش به مشهد می‌رسد: «اسب عروسی خدایم‌امز بابابزرگ، سفر مشهد را پای‌اندام کرد. مدتی بعد که برای اولین بار و برای همیشه راهی مشهد شدم، در تپه‌سلام حرم امام رضاع) را نشانم داد و گفت: حالا گنبدنمایی چقدر بهم می‌دهی؟ گفتم: من که چیزی ندارم. از همین ۱۵۰۰ تومانی که مریهم کرده‌ام، ۵۰۰تومان‌شان را بخشیدم. بابابزرگ گفت: شوخی کردم زن!؛ حواسمت هست آقای خادم مغرور؟ امام‌رضایی بودن را یاد گرفتی؟ یک‌سوم همه دارایی، فدای یک لحظه از اولین نگاه به گنبد.

◆ **شنبه ۱۴ دیبِهشت ۱۳۹۳**

–حَجَّ آقا شوما چقدر می‌گیرید اینجا وای می‌ستید؟

–هیچ‌چی.

–هیچ‌چی که نمی‌شد!

– خُب ما هفت‌ماهی یک روز افتخاری می‌آییم و روزهای دیگه هر‌کسی شغلی دارم.

– آهان! گفتم هیچ‌چی که نمی‌شد!

به نظر شما این گفت‌وگو- بارها و با همین عبارات- بین من و زائران کدام شهر انجام شده است؟!

حرم نوشت‌های یک خادمه

وبلاگ «حرم هشت» حال و هوای زلزله‌تاری دارد. «کشیک فعلاً چهارشنبه عصر» در توضیح وبلاگش «حرم‌نوشت‌های یک نفر به اصطلاح خادمه» را برگزیده و از اسفند۸۸ تا امروز به روز مانده است. خاطر‌ها بیشتر در حوالی حوض آب صحن جمهوری و با موضوعاتی زلزله و کودکانه روایت می‌شود. در بیان نویسنده وبلاگ، صحن آزادی به صحن مرده‌ها و صحن جمهوری به صحن عروس و داماده‌ها معروف است.

◆ **پنجشنبه ۱۷ دیبِهشت۱۳۹۱**

از صحن جمهوری خارج شدم و رفتم سمت صحن انقلاب. دو قدم مانده بود به در بزرگ ورودی صحن برسم که پسرکی شش هفت ساله دست پدرش را کشید و جلویم سبز شد. با هیجان به چوب پری که در دست داشتم اشاره کرد و گفت: بابا! اینجاها پشماک...

خاطرات ویلچر رانی در بهشت

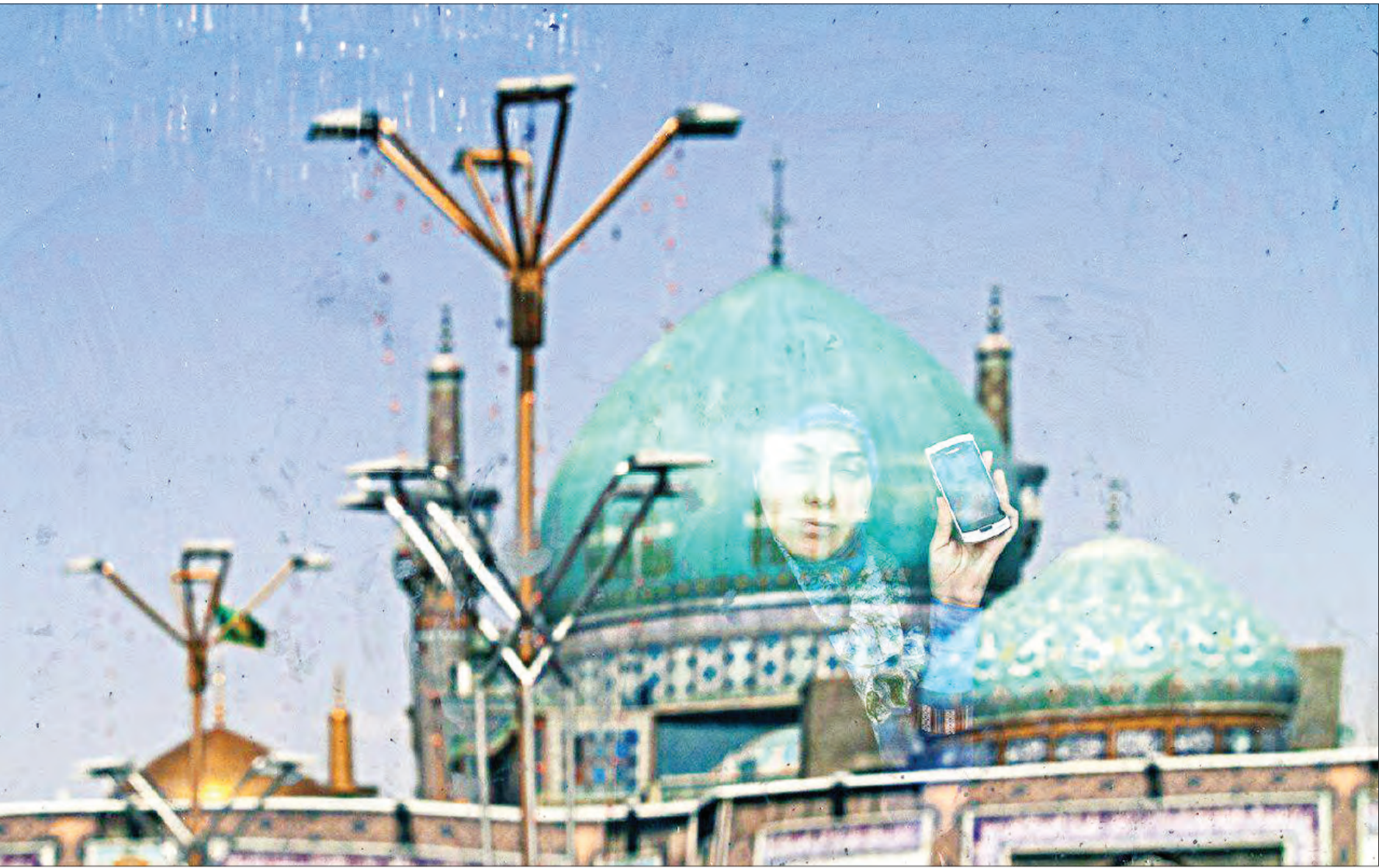
وبلاگ «ویلچرران» خاطرات روزمره یک خادم افتخاری است. به عقیده او «هر زائر لطفی از جانب خداست که تکرار نمی‌شود»

◆ **۱۹ شهریور۱۳۹۱**

شب ۱۹اسفند، شب سردی بود. یک سری از ما خادم‌ها عود دست گرفته و پالس‌های سه ساعته‌مان را شروع کرده بودیم. مدتی که گذشت یکی از زائر‌ها با چشم نیمه‌گریان از من پرسید: «حاج آقا چرا؟! چی باعث شده شما شب عبیدی اینجا وابستین؟» من که جواب خاصی ندادم، اما وقتی به آسایشگاه برگشتم دیدم یکی از همکاران غرق خنده تعریف می‌کند که همان فرد عین همین سؤال را از او هم پرسیده و او پاسخ داده: «به زور! به زور آقاچن! وگرنه شب عبیدی کی زن و بچه‌شو ولی می‌کنه بیاد تو این سرما عود خاموش دست بگیره؟»

گفت‌وگو با علیرضا پاسبان که سالیان سال تماس آدم‌های مختلف را به روضه منوره امام رضا(ع) وصل کرده است

روی خط زیارت



عباس قزلباشی است

اقتاب برای شنیدن صدای نفازه خانه به حرم زنگ می‌زنند. برای همین زمان زیادی از کار ما صرف پاسخ دادن به تماس‌هایی می‌شد که برای سلام دادن به امام رضاع) گرفته شده بود.

بالاخره اما حدود ۶ سال پیش تصمیم گرفته شد برای ارتباط با روضه منوره شماره ویژه‌ای اختصاص داده شود و شماره ۰۳۲۳۴-۲۲۰۰-۰۵۱ ویژه ارتباط با روضه منوره برقرار شد.

همچنین برای اینکه زائرانی که با این شماره تماس می‌گیرند، بتوانند ارتباط بهتری با روضه منوره داشته باشند، در چهار طرف ضریح مطهر هم میکروفون‌هایی نصب شد که زائران با تماس با این شماره روضه منوره صدای زائرانی که در این فضا هستند را بشنوند و بدون هیچ گونه واسطه‌ای و به طور مستقیم و زنده با فضای ملکوتی و حال مدت زیاد داشته باشند. آخر خانواده‌ای که بچه‌شان گم شده، تا وقتی که خط آزاد شود و بپرسند که گمشده شان پیدا شده یا نه، نصف عمر می‌شود.» خدا را شکر آن‌ها هم فوری درخواست دادند، ما هم سریع پیگیری کردیم و چند خط تلفن برای بخش پیداشدگان وصل شد.

◆ **تا حالا شده در همان لحظه که گوشی را به سمت گنبد گرفته‌اید تا زائری سلام دهد، دل خودتان هم بشکنند و از ته دلتان از امام رضاع) چیزی بخواهید؟**

عموماًوقتی که گوشی را به سمت گنبد می‌گیرتم تا زائری سلام دهد، خودم هم به آقا سلام می‌دادم و ناخودآگاه همه آن چیزهایی را که از آقا می‌خواستم، بر زبان و قلمب جاری می‌شد. من وقتی که جوان بودم و از چنان‌ها به مشهد آمدم، هیچ چیزی نداشتم، اما الحمدلله به لطف حضرت رضاع) و به برکت کار کردن در دستسگاه ایشان صاحب همه چیز شده‌ام؛ از اولاد خوب گرفته تا موفقیت فرزندان و خانه و ماشین و سفرهای زیارتی.

◆ **یکی از شماره‌هایی که خیلی از عاشقان امام هشتم(ع) با آن تماس می‌گیرند، شماره روضه منوره است. یادتان هست این خط تلفن را چه سالی وصل کردند؟**

با افزایش تعداد خط‌های تلفن حرم، کم‌کم میزان تماس‌ها هم زیاد شد. علاوه بر این افراد زیادی هم از دورترین نقاط دنیا هر روز تماس می‌گرفتند و می‌خواستند به آقا سلام دهند یا زمان‌های طلوع خدای رحمت کند مسئول قبلی تلفنخانه را، ایشان به ما می‌گفت اگر شماره جدیدی وصل شد، تنها یک هفته اجازه دارید که این شماره را روی برگه یادداشت کنید و جلوی چشمتان بگذارید، بعد از یک هفته باید آن را از جلوی چشمتان بردارید. برای همین من هم مجبور بودم بیش از ۵۵۰ شماره داخلی و همچنین شماره مستقیم خیلی از ادارات را حفظ باشم.

◆ **شما چند ماهی است که بازنشسته شده‌اید. برای شما که ۳۰ سال از عمرتان را در حرم بوده‌اید، این دوری سخت نیست؟**

خود حضرت رضاع) شهادت است که این روزها چقدر به من سخت می‌گذرد. برای من که ۳۰ سال است عمرم را در حرم بوده و در این فضا نفس کشیده‌ام، حال خوش زائران را دیده‌ام و این حال خوش میهمانان آقا دلم خوش شده، این دوری خیلی خیلی سخت است. برای همین سعی می‌کنم هر روز به بهانه‌ای به حرم پیامم. اگر هم نتوانم یک روز به حرم پیامم حتماً روز بعد می‌آیم و نمی‌گذارم این دوری زیاد طول بکشد. جالب است بدانید قبل از بازنشستگی هم آن قدر وابسته آقا و حرم شده بودم که روزهای تعطیل و جمعه‌ها هم یک سر به حرم می‌آمدم و یک زیارت کوتاه می‌کردم و برمی‌گشتم.

◆ **اشاره کردید که در کفشداری هم خدمت می‌کنید؟ یا اینکه روزانه ۱۲ ساعت درحرم کار می‌کردید چرا درخواست خادمی دادید؟**

◆ **در بین این همه شماره تلفنی که حفظ هستید، کدام شماره را بیشتر دوست دارید؟** شماره روضه منوره را.

برش

بارها پیش آمده بود که افراد پس از اینکه خط تلفنشان وصل می‌شود، اولین تماسیشان با حرم مطهر بود و می‌گفتند دوست دار یم اولین تماس ما باحرم، باشد. ما هم کوششی را رویه‌روی ضریح می‌گرفتیم تا اولین تماسیشان با بنسلام به امام رضاع) شروع شود

حرم می‌شد و من جواب می‌دادم. دارم. مثلاً یادم هست یک روز خانمی با تلفنخانه حرم تماس گرفت و گفت مادر ام‌ن می‌خواهد وارد اتاق عمل شود و دوست دارد قبل از اینکه عمل شود، سلامی به آقا امام رضاع) بدهد. یا آقایی از تهران به ما زنگ زد و گفت من هر روز قبل از اینکه کارم را شروع کنم، با تلفن حرم تماس می‌گیرم و اول به امام رضاع) سلام می‌دهم، ولی امروز نمی‌توانم با روضه منوره ارتباط بگیرم، به ایشان توضیح دادم که به دلیل انجام پرداخت ضریح، شماره ارتباط مستقیم با روضه منوره امروز قطع است. برای همین هم خودم گوشی را به طرف گنبد مطهر گرفتم تا این آقا مثل روزهای دیگر به امام رضاع) سلام بدهد. البته بارها هم پیش آمده بود که افراد پس از اینکه خط تلفن خانه‌شان وصل می‌شد یا خط موبایل می‌گرفتند، اولین تماس ما با حرم باشد. ما هم گوشی را رویه‌روی ضریح می‌گرفتم تا اولین تماسشان با سلام به امام رضاع) شروع شود.

◆ **و ایسن تماس‌ها در زمان‌ها یا روزهای خاصی بیشتر می‌شود یا نه؟**

یادش بخیر، الان هم حسرت آن روزها را می‌خورم. روزهای میلاد و شهادت امام رضاع) شلوغ‌ترین روز کاری ما بود. یعنی آن قدر حجم تلفن‌ها زیاد بود که دیگر دستگاه جواب نمی‌داد و هنگ می‌کرد. بعضی اوقات در این روزها تعداد تماس‌ها به ۱۰۰ هزار تا در روز می‌رسید. از همه جای دنیا هم تماس می‌گرفتند تا به آقا سلام بدهند.

◆ **در این مدت ۳۰ سالی که در حرم خدمت کرده‌اید، حتماً تماس‌هایی هم بوده که برای شما به یادماندنی بوده‌اند.**

بله...خاطرات خیلی زیادی را از تلفن‌هایی که به

حاشیه

مروری بر برخی اطلاعات تلفنخانه حرم مطهر رضوی

۹۲۰هزار تماس در هر ماه!

• در حال حاضر حدود ۲ هزار خط تلفن داخلی و ۷۰۰ خط تلفن مستقیم در سطح مجموعه اماکن متبر که حرم مطهر امام رضاع) وجود دارد که این تعداد خطوط داخلی و مستقیم بر روی حدود ۱۰ هزار متر شبکه کابلی مخابرات فعال است.

• با توجه به تعداد انبوه تماس‌های زائران و دلباختگان حرم مطهر امام هشتم(ع) و تماس‌های تلفنی با مدیریت‌ها، بخش‌ها، اداره‌ها و واحدهای گوناگون در سطح اماکن متبر که رضوی، به طور میانگین تقریباً روزانه ۷۰۰ تماس تلفنی با اپراتور و ۳۰ هزار تماس روزانه با سونئج مجموعه حرم مطهر امام رضاع) برقرار می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت که به طور متوسط ماهیانه حدود ۲ هزار تماس مستقیم توسط زائران با اپراتور و حدود ۹۰۰ هزار تماس داخلی و بیرونی از طریق مرکز سانترال بخش مخابرات حرم مطهر رضوی برقرار می‌شود.

• به‌ علت عظمت بارگاه مقدس امام رسوف حضرت رضاع) و حساسیت فعالیت در مرکز مخابرات حرم مطهر، فعالیت این بخش در طول شبانه روز به صورت ۲۴ ساعته بوده، به گونه‌ای که همیشه مرکز مخابرات حرم منور رضوی در تمام ساعات شبانه روز آماده پاسخگویی به تماس‌های تلفنی زائران و مجاوران این بارگاه مقدس می‌باشد.

• یک مرکز پشتیبان با ظرفیت حدود ۱۰۰۰ خط تلفن در کنار سونئج (مرکز) اصلی مخابرات حرم مطهر امام رضاع) نصب و راه‌اندازی شده و بدین وسیله همیشه ارتباطات تلفنی و مخابراتی در مجموعه بارگاه مقدس امام هشتم(ع) به طور روزانه و در هر

^[1] عباس قادری هم آزاد شد!

علامه سیدجعفر مرتضی عاملی در گفت وگوی اختصاصی با «قدس آنلاین» تبیین کرد

روشنگری مکتب رضوی علیه دیکتاتوری مأمونی

♦ کتاب «زندگی سیاسی امام هشتم(ع)» بار دیگر در زمره بهترین آثار قابل قدردانی در حوزه کتاب در همایش کتاب سال رضوی شناخته شد. تألیف این کتاب با چه رویکردی صورت گرفت؟

حیات سیاسی امام رضاع(ع) دوران ویژه‌ای در ادوار امامت ائمه(ع) رقم زده است؛ زیرا در تاریخ سیاسی زندگی امام رضاع(ع) موضوع ولایتعهدی نقش مهمی دارد. اما نکته‌ای که در ماجرای حیات سیاسی امام هشتم مورد پرسش است، این است که پذیرش دستتاری یک حاکم ظالم، با مبانی فکری و فقهی شیعه سازگاری ندارد و در مکتب اهل بیت(ع) از محرمات است. پس چگونه امام معصوم ولایتعهدی مأمون عباسی را پذیرفته است؟ بنابراین به تحقیق درباره این مسئله برای تحکیم عقیده خودم و شیعیان و اثبات حقانیت اهل بیت(ع) پرداختم. از آنجا که شیعه و معتقدان به امامت اهل بیت(ع) باید برای پذیرش هر مسئله اعتقادی و کلامی دلیل داشته باشند و این طور نیست که بدون دلیل سخنی را بپذیرند، این امتیاز تشیع بر دیگر ادیان و مذاهب است.

♦ برای زمینه‌های ولایت عهدی امام رضاع(ع) به چه نکاتی دست پیدا کردید؟

شرایطی که برای مأمون در آن دوره وجود دارد، موجب می‌شود درتنگتای سیاسی شدیدی قرار گیرد. بخش اول این مشکلات سیاسی که مأمون با آن دست و پنجه نرم می‌کند به ناراضیاتی مردم برمی گردد.

این وضعیت به ابتدای تشکیل حکوت عباسی مرتبط است. عباسیان از همان ابتدای تشکیل حکومت با شاعران بلاگشت به دین و رهایی از جاهلیت و نیز خوتخواهی اهل بیت(ع) وارد عرصه سیاسی شدند، اما از همان ابتدا که حکومت را به دست گرفتند از شاعرهای خود فاصله گرفته و مشخص شد که روش‌هایی که آنان در سیاست‌هایشان به کار برند با آنچه در مراننامه خویش به مردم عرضه کرده بودند، بسیار متفاوت بود و حتی تنمی که به مردم وارد علی وارد کردند، بسیار عمیق‌تر و چشمگیرتر از مصیبت‌هایی بود که امویان برمردم تحمیل می‌کردند. این مشکلات از همان ابتدا برای مردم شروع شد و در دوره او بعد بر میزان آن افزوده شد. این جنایت‌ها در دوره هارون الرشید به حدی رسید که برخی به این باور رسیدند که هارون نامشی است. این وضعیت موجب شد مردم در گوشه و کنار کشور اسلامی دست به قیام بزنند. هر کسی را خاندان پیامبر که پرچم مبارزه با عباسیان را به دست می‌گرفت، عده بسیاری از مردم با او همراه می‌شدند. دراین رابطه گفته شده که در جنگ مأمون با ابوالسرایا حدود ۲۰۰هزار نفر کشته شدند.

علاوه بر ناراضیاتی مردم، مأمون از ناحیه دیگری نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه بود. جنگ‌های درونی عباسیان و درگیری مأمون با برادرش امین و کشته شدن امین به آن شکل که سرش بریده شده بود و هوینت گنبدگان به یاد فریاده دریاقت می‌کردند، موجب شد تا جایگاه او در بین عباسیان نیز متزلزل شود.

این مجموعه علل موجب شد تا مأمون برای رهایی از این شرایط به حب علی(ع) تظاهر کند.

و سیاست‌های نرم‌تری را در ارتباط با مردم دنبال کند و این گونه نشان دهد که دشمن اهل بیت پیامبر نیست. بی شک قصد مأمون از این نمایشی که به راه انداخته بود، فریب مردم بود.

در راستای همین سیاست‌های فریبکارانه‌اش به امام رضاع(ع) خلافت و سپس ولایتعهدی را پیشنهاد کرد. من می‌خواهم این جمله را این گونه اصلاح کنم که مأمون ولایتعهدی را به امام رضاع(ع) پیشنهاد نکرد، بلکه امام (ع) را مجبور به پذیرش آن کرد. یقیناً دلایل و انگارای این منصب به امام هم سوء برداشت از این اتفاق است. مأمون از طرح و اجرایی کردن ولایتعهدی چندین هدف را دنبال می‌کرد: ادعای اهل علی(ع) را مبنی حق خلافت داشتن سلب می‌کرد، چرا که بزرگ آنان در کنار خلیفه قرار گرفته است. بنابراین عدم مشروعیت حکومت بنی عباس هم در نزد شیعیان مختوم می‌شده. این مهم‌ترین هدف مأمون از ماجرای ولایتعهدی بود؛ زیرا جامعه شیعی که همیشه گروه معترض به جریان خلافت نامشروع است، با این کار عملاً به سکوت و خاموشی کشیده می‌شد.

مکتب رضوی علیه دیکتاتوری مأمونی



آعارف/ نازلی مروت ا رخدادهای زندگی ائمه(ع) از آن جهت برای ما اهمیت دارد که تحلیل آن می‌تواند ما را در یافتن مسیر صحیح رهنمون کند.
صیحه امام و شیعیانش غاصب خلافت اهل بیت پیامبر یکی از این وقایعی که در این گفت وگو سعی شده است از زاویه

همچنین شبهاتی نیز به وجود آمد.

♦ بخورد امام هشتم (ع) چگونه بود؟

امام (ع) از همان لحظات اول روشن کرد که این سیاست تحمیل و جبر مأمون بود که امام را به خراسان کشانید. در این ماجرا حتی اگر چیزی هم نمی‌گفت، مردم خوسد متوجه اجباری بودن پذیرش ولایتعهدی می‌شدند؛ زیرا وقتی می‌بینند فردی که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی وعلمی سرآمد خاندان پیامبر و امت اسلامی است، در سن ۵۰ سالگی ولیعهد خلیفه جوانی می‌شود که تنها ۳۰سال سن دارد و برای رسیدن به خلافت از بردار کشی هم دریغ نکرده است، متوجه می‌شوند که این اتفاق تنها یک بازی سیاسی است که



من با اعتراض جریان ششیعیان تندرو نسبت به امام و پذیرش ولایتعهدی موافق نیستم و آن را صحیح نمی‌دانم. آنچه تحقیقات من نشان می‌دهد در این رویداد پرسش‌هایی از ناحیه ششیعیان مطرح گردید که بیشتر برای روشننگری و آگاهی آذهان از این پذیرش صورت گر فته بود

خلیفه به راه انداخته است. شبهه‌ای که ممکن بود در این زمینه به وجود بیاید این بود که امام(ع) طمع به دنیا دارد و می‌خواهد پس از مأمون به حکومت برسد که این شبهه بسیار بعید است؛ چرا که امام رضا در عصر خویش به زهد، تقوا، عقل و حکمت و... مشهور است.

نکته دوم این است که امام(ع) از همان ابتدا سیاستی را در پیش گرفتند که مأمون نتواند آنچه را می‌خواست به دست آورد. سیاست‌های در این برهه بسیار دقیق و حساب شده است مثلاً این روز بیعت شرط می‌کنند که در امور سیاسی و عزل ونصب‌ها دخالتی نکنند. این شرط امام نشان دهنده این است که امام قلباً نسبت به این ولایتعهدی رضایتی ندارند.

امام در سندن ولایتعهدی مکتوب می‌کنند که با توجه به این علم غیبی که ما داریم و به ارث برداییم می‌دانم که این امر شدنی نیست، اما من مجبور شدم که آن را بپذیرم. آنچه امام در نامه و سند ولایتعهدی نگاشتند تمام نقشه‌های مأمون را

نقش برآب کرد.

مکتب رضوی علیه دیکتاتوری مأمونی



جدیدی به آن نگریسته شود ماجرای سؤاَل برانگیز حضور امام رضاع(ع) در دستگاه خلیفهای است که امام او را از نظر مبنایی قبول ندارد و به عقیده امام و شیعیانش غاصب خلافت اهل بیت پیامبر است.

♦ موضع گروه‌های اعتقادی و سیاسی با پذیرش ولایتعهدی امام رضاع(ع) چه بود؟

بیان شده است که در این دوره دو گروه با امام جریان اصیل شیعی در مسئله ولایتعهدی برخورد کردند و موضع گرفتند؛ گروه اول برخی جریان‌های تندرو شیعی است و دیگری وابستگان به خلافت و بنی‌عباس.

من با اعتراض جریان شیعیان تندرو و برخورد و انکس نسبت به امام و پذیرش ولایتعهدی موافق نیستم و آن را صحیح نمی‌دانم. آنچه تحقیقات من نشان می‌دهد در این رویداد پرسش‌هایی از ناحیه شیعیان مطرح گردید که بیشتر برای روشننگری و آگاهی آذهان از این پذیرش صورت گرفته بود، نه به معنای اتحمیل به عملکرد یک

امام معصوم(ع). اعتراض شیعیان به این ماجرا به این خاطر است که چرا باید چنین اتفاقی رخ دهد که موجب ناراحتی امام رضاع(ع) گردد و با توضیح امام(ع) در رابطه ولایتعهدی تحمیلی این نگرانی هم برطرف شد. دلیل این تحلیل هم این است که شیعیان واقعی امامت به تصمیمات آنان رضایتی و براساس آنچه در اعتقادات شیعی آمده است، دلیلی برای نگرانی در تصمیمات یک امام معصوم که علم لدنی دارد، وجود ندارد. این قضیه گرچه با مرام شیعه تعارض دارد (زیرا مرام شیعه اعتراض به حکومت‌های ظالم و غیرالهی است) اما باز هم شیعیان دچار تفرقه نشدند و به تصمیم امام احترام گذاشتند.

اسا در مورد گروه دوم؛ کاملاً طبیعی است که وابستگان به خلافت بنی‌عباس از این تصمیم دلخور و نگران شوند، چون عملکرد سیاسی مأمون برای خیلی از آن‌ها مفهوم نبود و وقتی که دیدند آن امیدهایی که مأمون به آنان داده بود، نقشه‌ای بود که نقش برآب شد، قصد کشتن امام رضاع(ع) را گرفتند تا از این دردی که مأمون برای خلافت عباسیان درست کرده بود، جان سالم به در برند. مأمون هم فکر نمی‌کرد که تلاش‌ها و نقشه‌هایی که به گمانش بسیار زیرکانه و کارشناسی شده بود، این گونه ناکارآمد شود؛ بنابراین در تصمیم برای قتل امام جدی شد، چون دید اگر این وضع ادامه یابد، تومار خلافت بنی‌عباس برچیده خواهد شد.

♦ آیا ورود امام رضاع(ع) به حکومت عباسی به معنای حضور ششیعه در بدنه حکومت نیست؟



نگاهی به «تمدن رضوی» کتاب جدید دکتر موسی نجفی
افق تمدنی مکتب سیاسی امام رضا(ع)

معارف: تمدن رضوی مصداق کامل فلسفه شیعی-ولایی تمدن است که نوع دیگر آن در سیر استعلائی تاریخ، تمدن برتر مهدی است؛ تمدن اسلامی با حضور امام معصوم(ع) نه سکولار است و نه بنیادگرا و افراطی. به همان اندازه که از سلفیت خشونت بار مدرن دور است، تمدن تک ساحتی و محدود غرب را هم به چالش می‌کشاند و ارزش‌های آن را بی دوام و سعادت حاصل از آن را به جد نقد نموده و نظریه جنگ تمدن‌ها و پایان تاریخ را افسانه‌های عصر جدید می‌داند.

این کتاب در پنج فصل تهیه شده است و مباحث آن در دو حوزه تاریخ و اندیشه سیاسی قرار می‌گیرد هر چند این حوزه بین رشته‌ای نیز در افق تمدنی دیده شده است. از نکات در خور توجه در کتاب این است که توجه به مکتب سیاسی امام رضاع(ع) در حقیقت نقدی جدی به «نظریه خلافت» و از این زاویه عیاری برای تمدن مسلمانان در قرن اولیه اسلامی است.
باین کتاب می‌توان انسان ۲۵۰ساله (یعنی حیات مبارک امامان معصوم(ع)) را در سه سطح و مقوله به هم مرتبط به نظاره نشست: نهضت حسینی، نظام علوی، تمدن



علامه سیدجعفر مرتضی عاملی اندیشمند، مورخ و نویسنده کتاب‌های تاریخی چون حیات سیاسی امام هشتم(ع) و الصحیح من سیره النبی الاعظم(ص) در گفت وگو با اقدس آنلاین" از نگاهی دیگر به ماجرای ولایتعهدی امام رضاع(ع) پرداخته است.

شیعیان ائمه در زمان هرکدام از ائمه به عنوان روشنفکران جامعه شناخته می‌شدند وبه خوبی ازعهد تحلیلی قضایای سیاسی و فرهنگی و فرهنگی و توطئه‌های دشمن بر می‌آمدند. معروف است که یکی از ویژگی‌های شیعه تیزهوشی و زیرکی و تیزبینی آنان است. به گونه‌ای که معاویه خطاب به ششیعیان امیرالمؤمنین(ع) می‌گفت: علی(ع) فکر شما را باز کرده است. این شیوه تربیتی اهل بیت است که شیعیان خود را افرادی تحصیلکرده و تحلیلگر تربیت می‌کردند؛ بنابراین من از همین جهت معتقدم که جریان شیعی اصیل هرگز در مقابل امام خود نایستادند، بلکه از تصمیم امام هم استقبال کردند؛ چراکه نسبت به پشت پرده خواسته مأمون آگاه شده بودند.



برش
با توجه به اینکه در تاریخ جریان شیعی، طبقه نخبگان جامعه را تشکیل می‌داده و جریان‌های روشنفکری از این طیف سربرمی‌آورده است، غیر ممکن است این جمعیت عظیم و تأثیرگذار اسلامی، در پذیرش تصمیم رهبر و پیشوای خود تردیدکنند

بحث روشنفکری شیعیان آن قدر در زمان‌های مختلف و درادوار گوناگون خلفا مهم تلقی می‌شد که اگر خلیفهای می‌خواست ببینند وضعیت جامعه در عرصه‌های مختلف در چه حالی است به عملکرد و موسغیاری شیعیان دقت می‌کرد تا ببینند شیعیان چه برداشتی از یک جریان دارند، بنابراین مطالبی که بیان شد مشخص می‌شود که شیعیان به خوبی از این ماجرا مطلع بودند و می‌دانستند که چه انگیزه‌هایی در سر مأمون وجود داشت، از این برخورد شیعیان مشخص می‌شود که تربیت تمدن‌پرور(حیجج) نسبت به شیعیانشان چقدر دقیق بوده است، به گونه‌ای که آنان جملگی قابل اعتمادند و اهل درک و تفکر هستند.

♦ نتیجه چه شد؟

پایان دیکتاتوری مأمون نتیجه موضوع ولایتعهدی بود. مردم از عباسیان ناراضی بودند چون آن‌ها از احساسات مردم درقبال اهل بیت پیامبر سوءاستفاده کرده و با شاعر «الرضا من آل محمد» و جمده مبارزه می‌کردند.

روشنگری مکتب رضوی علیه دیکتاتوری مأمونی

معارف

چهارشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۷

۱۱ | ۱۱ خرداد ۱۳۹۷ | ۲۵ جولای ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۱۷۴۱

یادداشت



حجت الاسلام دکتر محمدرضا جوهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

منشأ و فلسفه پیدایش

لقب عالم آل محمد برای امام رضا(ع)

«عالم آل محمد(ع) لقب بزرگ و بی همتای ثامن‌الحجج علی بن موسی الرضاع(ع) است. منشأ این لقب کجاست؟ چه کسانی این لقب را به امام رضاع(ع) داده‌اند؟ چرا امام رضاع(ع) دانشمند اهل بیت(ع) نامیده شده‌اند؟ بهترین منبع برای دریافت پاسخ صحیح و جامع به این پرسش، احادیث معصومین(ع) است.

خواجه اباصلت هروی صحابی مورد اعتماد و با اخلاص و باوفای امام رضاع(ع) گفته است: محمدبن اسحاق بن موسی بن جعفر از قول پدرش برابم چنین نقل کرد: موسی بن جعفر(ع) به فرزندان خود می‌فرمود: «هذا اخوکم علی بن موسی عالم آل محمد فاسأله عن ادیانکم و احفظوا ما یقول لکم فانی سمعت ابی جعفر بن محمد غیر مره یقول لی: ان عالم آل محمد لقی صلیک و لیتنی ادر کنه فانه سمی امیرالمؤمنین علی (بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰). این برادرزاده علی بن موسی «عالم آل محمد» است پس از او درباره دینتان بپرسید و آنچه به شما می‌گوید حفظ کنید. من شنیدم پدرم جعفر بن محمد امام صادق(ع) بارها به من می‌فرمود: «عالم آل محمد» در نسل تو است، ای کاش او را درک می‌کردم! او همان امیرمؤمنان امام علی(ع) است. در این حدیث شریف نکته‌های ارزشمندی وجود دارد که نمایانگر شخصیت الهی و نورانی امام رضاع(ع) است. امام رضاع(ع) به فرزندان خویش امام بعد از خویش را معرفی کرده‌اند و به آنان هشدار داده‌اند که علی بن موسی الرضاع(ع) عالم آل محمد است. مطلق همین حدیث، امام کاظم(ع) نقل کرده‌اند که نه یک بار بلکه بارها از پدر خویش امام جعفر صادق(ع) شنیدند که امام رضاع(ع) را عالم آل محمد نامیده‌اند. پیش بینی ولادت عالم آل محمد از نسل امام کاظم(ع) و آرزوی دیدن عالم آل محمد از سخنان امام ششم به فرزندان امام هفتم درباره امام هشتم است. بنابراین منشأ نام گذاری امام رضاع(ع) به «عالم آل محمد» پدر و جد امام رضاع(ع) بوده‌اند و دو امام در کلام خویش امام هشتم را عالم آل محمد نامیده‌اند. بیان صریح دو امام، علت پیدایش و شکل‌گیری لقب «عالم آل محمد» برای امام رضاع(ع) بوده است.

درباره وجه تسمیه عالم آل محمد در همین حدیث حقایقی نهفته است. امام صادق(ع) همنامی امام رضاع(ع) با خلیفه و وصی پیامبر خلاص) یعنی امیرمؤمنان امام علی(ع) را یادآوری کرده‌اند و امام کاظم(ع) نیز علم گستره دینی امام رضاع(ع) را به فرزندان خویش گوشزد فرموده‌اند. امام کاظم(ع) به فرزندان خویش امر کرده‌اند که هر پرسش دینی دارند از امام رضاع(ع) بپرسند. در این حدیث شریف پرسنگری دینی تشویق شده است و امام کاظم(ع) به فرزندان خویش فرموده‌اند که امام رضاع(ع) معدن دانش دینی و آموزگار سنت نبوی و معارف و مسائل الهی است و همگان باید از ایشان بهره ببرند. امام کاظم(ع) در این حدیث، افزون بر هدایت فرزندان خویش برای پرسش‌های دینی از امام رضاع(ع)، از آنان خواسته‌اند آنچه امام رضاع(ع) به آنان می‌گویند حفظ کنند و نگاه‌دارند. این فرمان نیز اهمیت حفاظت از معارف و علوم رضوی و ضرورت انتقال این علوم به نسل معاصر و آیندگان را نشان می‌دهد. این دو فرمان امام کاظم(ع) به فرزندان خویش امرجمعیت علمی امام رضاع(ع) را آشکار می‌کند. «پرسشگری» و «حفاظت از پاسخ‌ها» دو مأموریت فرزندان امام کاظم(ع) در ارتباطات علمی آنان با امام رضاع(ع) عالم آل محمد است. بی تردید تمام امامان از وحی الهی و سنت نبوی بهره برده‌اند و از سرچشمه‌های علم الهی بهره‌بردارند و همه عالم به علوم نبوی و عالم آل محمد بوده‌اند، اما این لقب از سوسی خود آل محمد به امام رضاع(ع) داده شده است. شاید فرصت مناسب ولایتعهدی تحمیلی مأمون و بهره‌برداری از موقعیت رسمی حکومتی در انتشار معارف آل محمد به درک وجه تسمیه این لقب کمک کند. امام رضاع(ع) در مسیرت فرستادن ولایت از مدینه تا مرو و در مجالس مناظرات علمی و فقهی فرصتی تاریخی برای احیای علوم آل محمد پیدا کردند. شهید مطهری اعتقاد دارد امام رضاع(ع) در پست ولایتعهدی به طور غیررسمی شخصیت علمی خود را ثابت کرد که هیچ وقت دیگر ثابت نمی‌شد. (سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، ص ۲۲۶).

بنابراین باید «میراث فرهنگی» امام آل محمد را شناخت و از آن پاسداری کرد و از آن نقشه راه چگونه زیستن و زندگی مقدس و برتر را به دست آورد و به آن ارسته شد و به جهانپایان ارائه کرد.

عیدانه

سعید بیابانکی

غزلی تازه برای قیله هفتم

هوای روضه رضوان

ننسه‌تام به رواقی به گوشه حرمش

رها رهای رها زبیر آبشار غمش

یقین به چه سوزم دست متصل است

که نور می‌چکد از روزن سپیده دمش

چه سال‌ها که هم آوای نوبتی خوانان

رسیده است به گوشم طنین زیر و بمش

به ظامنین و به مشهد سلام و عرض ادب

به حس و حال غریبانه شبیه همش

دم مسیح خراسان به لطف حق گرم است

برایتان به بگویم ز لطف دم به دمش

چو با گذاشت به ایران هزار چشمه شکفت

هزار جان گرمای فدای هر قدمش

هوای روضه رضوان اگر به سر داری

بیا به کوی خراسان و روضه ارمش

به پادشاه و گدا و به عارف و علمی

خبر هدید که عام است سفره گردش

گره گشوده ز کلام به طرفه العینی

به نام پاک جوادش چو دادم قشمش

تو چنگ برده و بردار هر چه می‌خواهی

که شاه توس گشاده است کیسه درمش

هر آنچه داده به من لطف بیکران بوده است

که ازضی‌ما به زیادش که قانعم به کمش

شهدد شفق شد و آرامید کنج بهشت

هر آن که رقص کنان رفت زیر تیغ غمش

چو با افتخاری از این افتخار بالاتر

که شاعرش شده‌ام زبیر سایه علمش

سیاه منتقمانش همیشه بیدارند

یکی خبر برساند به اولیای دمش

نمی‌کنیم دل از این حرمی و زین درگاه

قسم به مادر بی بارگاه و بی حرمش...



هنوز هم از مردم بازخورد «ولایت عشق» را می‌گیرم

اسیما و سسینما/ معین اصغری | اگرچه تعداد کارهایی که با موضوع امام رضا علیه السلام ساخته شده بسیار اندک است، اما در میان همه آن‌ها نام «ولایت عشق» همچنان می‌درخشد. سریالی پرزحمت که بی‌گمان نام مهدی فخیم زاده را برای همیشه در تاریخ تلویزیون جمهوری اسلامی زنده نگه می‌دارد. هنوز هم وقتی در ایام مناسبتی سالان این سریال را از تلویزیون می‌بینیم انگار برای‌مان تازگی دارد.

خود فخیم زاده درباره مسیر ساخت سریال تاریخی بر مبنای زندگی امام (رضاع) اینگونه می‌گوید: کتابی به من دادند درباره زندگی امام (رضاع) تا بخوانم و گفتند که بر مبنای تجربیات قبلی‌ام سریال «ولایت عشق» را بسازم. این سریال دو سال و نیم طول کشید و صدا روی صحنه بود.

اولین بار بود که معصوم را نمایش دادیم. کتاب‌های زیادی خواندم که روایت‌های متفاوتی از زندگی امام داشتند. شورای تاریخ اسلام هم در تلویزیون درست شد که می‌گفت از کجا شروع و در کجا تمام کنیم. برخی مباحثات را این‌شورا گفتند که باید حتماً در سریال باشد، مثل نماز عید فطر و نماز عید باران. من هم یک سناریو براساس اطلاعات تاریخی نوشتم، به این‌شورا دادم و آن‌ها تأیید کردند.

بعد یک سناریوی دراماتیک نوشتم و شخصیت‌هایی اضافه شدند تا به لحاظ درام مناسب باشد. مثلاً شخصیتی که خودم در این سریال بازی کردم و یا دنبال حکیمی بازی کرد تاریخی نبودند و من درستشان کرده بودم تا فواصل میان روابط را پر کنند. یکی از بازی‌های درخشان در سریال «ولایت عشق» نقش «فضل بن سهل» بود که با بازی زیبایی اکبر زنجانیور در ذهن‌ها ماندگار شد. نقش سیاسی فضیل زمانی آشکار شد که هارون بعد از انتخاب پسرش امین به ولایت‌نهدی. پسر دوش مأمون را به عنوان ولیعهد دوم انتخاب کرد و حکومت سرزمین‌های شرق خلافت اسلامی از همدان تا خراسان را به طور مستقل به مأمون داد.

فضل بن سهل دبیر سیاستمدار مأمون، نماینده ایرانی‌ها در دربار عباسیان بود. شاید فضل نخستین گلمی که برای رسیدن به آرزوهای خود برداشت این بود که مأمون را قانع کرد به خراسان برود تا در آنجا به جمع‌آوری یاران خود بپردازد و او را از سیطره امین دور کند.

♦ یکی از مشکلات بازی در نقش‌های تاریخی نبود اطلاعات کافی درباره ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری آدم‌هاست. شما چگونه با این مسئله مواجه شدید؟

بله، کاملاً درست می‌فرمایید. ما وقتی سراغ

برش
من در کار قبلی فخیم‌زاده یعنی «تنهاترین سردار» نقش معاویه را داشتم، آنجا تجربه زیادی نداشتیم. سریال قبلی موجب شد «ولایت عشق»، بسیار کامل‌تر و پخته‌تر ساخته بشود. یعنی تجربه «تنهاترین سردار» به کمک فخیم‌زاده آمد و شد «ولایت عشق»



یک شخصیت تاریخی می‌رویم، نه درباره شکل و شمایلش چیزی می‌دانیم، نه عاداتش را می‌شناسیم و نه از رفتارها و خلق و خوی شخصی‌اش خیلی می‌دانیم.

همه این‌ها باید خلق شود و این یک کار بسیار دشوار است. یادم می‌آید برای شخصیت‌پردازی فضل‌بن‌سهل، گرمور، طراح لباس، فخیم زاده و خودم همه نشستیم و با هم به یک جمع بندی رسیدیم که این آدم مثلاً این شکلی حرف می‌زند، اینگونه راه می‌رود، لباس‌هایش این چنین است و سایر مسائل دیگر. برای شخصیت‌پردازی‌های این چنینی باید بازتاب آن آدم را در بستر تاریخ ببینیم. این‌ها چیزهایی است که هم‌ماش با تصور و خیال ساخته می‌شود.

♦ اتفاقاً یکی از چالش‌های همیشگی اهالی هنر با مورخین همین مسئله است. مورخ یک برداشتی دارد و کارگردان که می‌خواهد آن شخص را در قالب درام دربیابرد برداشتن متفاوت است. به نظر شما می‌شود به یک تعادل رسید؟

ببینید این یک مسئله پیچیده است. واقعاً به نظر من یک دوره چهار ساله می‌طلبد تا در دانشگاه درباره این مسائل صحبت کنند و هنرمندان و اندیشمندان به یک نتیجه مشخص برسند و گزینه همه بحث‌های ما تصویری است و هرچه هم که بگویم از قالب خیال و ذهنیت بیرون نمی‌آید. سرانجام گاهی کارگردان که می‌خواهد قصه را روایت کند، اگر بخواهد دقیقاً مو به مو مطابق واقعیت پیش برود کار آنچنان که باید پخته نمی‌شود، از طرفی قصه واقعی است و حق تحریف هم نداریم.

بعد از اینکه مردم کار را دیدند چه بازخوردهایی دریافت کردید؟

خیلی خوب بود. شاید برای‌تان جالب باشد که هنوز هم بازخورد می‌گیرم. من زمانی که کار خواندم می‌دانستم این سریال یک سریال به یادماندنی خواهد شد. اتفاقاً من در کار قبلی فخیم‌زاده یعنی «تنهاترین سردار» نقش معاویه را داشتم، آنجا تجربه زیادی نداشتیم. سریال قبلی موجب شد «ولایت عشق» بسیار کامل‌تر و پخته‌تر ساخته بشود.

یعنی تجربه تنهاترین سردار به کمک فخیم زاده آمد و شد «ولایت عشق». حقیقتاً فخیم زاده بیشتر از هر کسی انرژی می‌گذاشت. شب در خانه می‌نشست، دیالوگ‌ها را می‌نوشت، بعد پنج و نیم صبح سر صحنه می‌آمد. تا شب فیلمبرداری می‌کرد و بعد باز به خانه می‌رفت و دیالوگ‌ها را می‌نوشت. دو سال و نیم برنامه‌ماش همین بود.

قبل از آن هم که چند سال مشغول نوشتن فیلمنامه بود و به معنای واقعی کلمه چهار پنج سال درگیر کار بود.

چهارشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۷

۱۱ ذی القعدة ۱۴۳۹ | ۲۵ جولای ۲۰۱۸ | سال سی‌ویکم | شماره ۸۷۴۱

اخبار

درباره عکس جنجالی بازیگران و انتشار آن در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام آلبوم شخصی نیست



سسینما و سسینما/ زهره کهندل: عکس گرفتن ایرادی ندارد، نگه داشتن‌اش هم عکس بگیرید و در آلبوم شخصی خودتان نگه دارید، اما اینستاگرام، آلبوم شخصی نیست و باید شرایط عمومی را در آن لحاظ کرد. اینکه بر بالین بیماری حاضر می‌شوید و از زوایای مختلف سلفی می‌گیرید تا لایک‌هایتان را در شبکه‌های اجتماعی بالا ببرید، در دایره اخلاقی و عرف نمی‌گنجد. نشان دادن چهره ناخوش احوال یک بیمار که توان لبخند زدن هم ندارد، چه توجهی دارد؟ اگر توجهتان این است که عبادت از بزرگان را در بستر بیماری به عنوان یک ارزش رواج دهید، بدانید که این راهش نیست. چرا حافظه تاریخی ما این قدر ضعیف است؟

این روزها که جمشید مشایخی، پیشکسوت عرصه بازیگری به علت ضعف جسمانی و مشکلات گوارشی در بیمارستان بستری شده و تحت عمل جراحی قرار گرفته است، هر از چند گاهی عکسی از ایشان در همان حال ناخوش بیماری منتشر می‌شود که بازیگری یا مسئولی بالای سرش ایستاده و لبخندزنان به دوربین خیره شده است.

در آخرین عکس هم جمشید هاشم‌پور در کنار چند بازیگر دیگر از جمله فریبا کوثری، حدیث فولادوند، نعیمه نظام دوست، شبنم قلی‌خان، تصویری از خودشان در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده‌اند که وضعیت ناخوش احوال جمشید مشایخی در این عکس موجب رنجش خانواده وی شده به طوری که سام مشایخی پسر جمشید مشایخی با گلایه از انتشار این تصاویر گفته است: «پدر من همیشه برای میهمان احترام قائل است و مقید به ظاهری آراسته در برخورد با دیگران است.

او همیشه معروف بوده به خوش لباسی و آراستگی، اطمینان دارم خود او هم دوست ندارد که دیگران او را در این شرایط ببینند. نکته تلخ این عکس نگاه پدرم به چشم‌های ملاقات کنندگانش است در حالی که چشم آن‌ها به دوربین دوخته شده است. اگر دوستش دارید عکس را بگیرد و به یادگار برای خودتان نگه دارید چه لزومی دارد که آن را بازنشر کنید».

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی

در اجرای ماده ۲۰۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ بدینوسیله آگهی اوراق مالیاتی با مشخصات زیر به مؤدیان نامبرده ابلاغ می‌گردد تا در زمان و مکان

تعیین شده مراجعه و نسبت به رفع اختلاف احتمالی برابر مقررات اقدام نمایند ، بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی رفتار خواهد شد .

ردیف	کلاس	نام مؤدی	شماره و تاریخ برگ	نوع برگ	مبلغ مالیاتی	تاریخ مراجعه	محل مراجعه
۸۱	۳۹۶۵	حمید انزلیا	۱۹۱۰-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۳۴۴۶۰۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۸۲	۳۹۶۵	حمید انزلیا	۱۹۱۰-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۵۸۹۴۴۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۸۳	۳۹۶۸	احمد اشترک دهنو	۱۸۶۴-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۷۹۱۰۰۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۸۴	۳۹۶۸	نقیض احمد مالزهی	۱۸۶۴-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۳۴۴۷۰۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۸۵	۳۹۶۹	نعمت‌رنگی	۱۴۱۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۰۴۸۸۰۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۸۶	۳۹۵۱	مرتضی قرانی	۱۴۵۷-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۶۴۸۴۰۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۸۷	۳۹۵۱	جنتی قرانی	۱۴۵۷-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۰۰۲۷۲۶۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۸۸	۳۹۵۱	مرتضی قرانی	۱۴۶۱-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۵۵۲۲۹۶۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۸۹	۳۹۵۱	جنتی قرانی	۱۴۶۱-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۰۰۲۷۲۶۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۰	۳۹۶۶	سید قائم سیدتا	۱۸۶۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۵۵۲۲۹۶۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۱	۳۹۶۶	سیدقائم سیدتا	۱۸۶۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۳۳۴۷۰۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۲	۳۹۶۳	محمد عرفی امیدوار تهران	۱۴۱۵-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۳	۳۹۶۳	محمدعرفی امیدوار تهران	۱۴۱۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۴	۳۹۹۱	محمد تقوی نیا	۱۹۱۴-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۴۴۴۷۷۵۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۵	۳۹۸۸	رضا ندوی یابی	۱۹۱۴-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۴۰۴۵۹۵۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۶	۳۹۸۸	علی ندوی یابی	۱۹۱۹-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۴۶۹۵۵۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۷	۳۹۸۸	یاقوت ندوی یابی	۱۹۱۴-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۴۴۹۵۵۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۸	۳۹۸۸	امیرحسین جبرزی	۱۸۶۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۹۰۳۹۶۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۹۹	۳۹۸۸	امیرحسین جبرزی	۱۸۶۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۵۵۳۳۵۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۰	۳۹۶۶	محمد شریف خیری	۱۹۰۹-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۵۳۴۴۰۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۱	۳۹۶۶	سیدرضا پور ناوی	۱۴۱۸-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۲۲۲۷۱۵۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۲	۴۱۳۳	سعید شمشیری پور	۱۴۱۳-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۱۳۵۱۱۴۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۳	۴۱۳۳	سعید شمشیری پور	۱۴۱۱-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۳۵۴۵۸۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۴	۴۱۴۴	علی اربالی	۱۸۶۳-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۸۰۵۴۴۴۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۵	۴۱۶۳	مسعود عرفانی زنگری	۱۹۰۸-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۲۹۶۶۴۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۶	۴۱۶۴	رضا جعازی	۱۴۱۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۰۴۸۸۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۷	۴۱۸۳	حسن محمدزاده اول	۱۸۶۹-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۶۱۰۰۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۸	۴۱۸۳	محمد حسن خدیننده	۱۸۶۵-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۶۸۸۴۴۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۰۹	۴۱۸۶	محمد باقر خدیننده	۱۸۶۸-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۸۵۸۱۴۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۰	۴۱۹۰	آناه ترضایی	۱۴۹۴-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۶۶۵۳۳۴۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۱	۴۱۳۳	فاطمی ترضایی	۱۴۱۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۲۹۶۷۳۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۲	۴۱۳۳	احمد قدامتگهی	۱۴۱۳-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۳۳۲۰۰۰۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۳	۴۱۳۳	احمد قدامتگهی	۱۴۱۷-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۸۳۵۶۶۴۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۴	۴۱۹۳	شهره شهزاد	۱۴۱۹-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۵۵۹۳۷۵۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۵	۴۱۹۳	محمد علی عزیزانی	۱۴۱۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۶۰۵۳۴۴۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۶	۴۱۰۰	احمدفا سبعلی زاده	۱۹۱۰-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۴۶۹۷۵۲۷۵	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۷	۴۰۶۲	علی اکبر قلی پور ربیع	۱۹۰۹-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۳۳۲۵۳۵۲۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۸	۴۰۶۲	ابوالفضل قلی پور ربیع	۱۹۰۹-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۶۳۱۱۴۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۱۹	۴۰۶۳	بهیج حسین زاده	۱۸۶۶-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۱۶۶۶۱۳۰۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷
۱۲۰	۴۰۶۳	زاده حسن زاده	۱۸۶۴-۱۳۹۷/۰۶/۲۶	قسطی	مشاغل	۴۱۳۵۸۴۰	خیابان امام خمینی اداره کل امور مالیاتی طبقه سوم واحد ۰۷

روابط عمومی اداره کل امور مالیاتی خراسان رضوی

روزمره نگاری

لنگر اندازی جناب بیماری!

ایستگاه/ ترمه تالارپشتی | برشی کوتاه از گپ و گفت بنده و جناب مریضی روی تخت درمانگاه.

– می‌گم اگه کمتر هم سَتر بزنی، خدا شاهده من راضی‌ام. تازه، خوشحال و شاد و خندان هم می‌شوم.

– خُب تقصیر من نیست، یک وقت هایی از خط فرمز رَد می‌شی و مجبورم می‌کنی به اوئمن. یک مقدار کنکاش کنیدی خودتان را!

– نمی‌تونم. در شرایطی نیستم که پرازش کنم. مغزم قد نمی‌دهد خودتان بفرماییدم چه خطایی از من سر زده؟

– باشد ... می‌گویم. سر ساعت که نمی‌خوابید! هله هوله نوش جان می‌کنید! رعایت سرما و گرمایان افراطی است! غصه پشت غصه میل می‌فرمایید! نازک تاریخی هستیدا زمان خوراک تان نامنظم است! اهل فکر و خیالیدا تفریح به قاعده هم که توی دست و بال تان پیدا نمی‌شود! کم حرف هستیدا و درد دل کردن هم بلد نیستیدا و...

– ببخشید که کلام تان را قطع می‌کنم، یعنی این‌ها هم‌ماش شامل حال من می‌شود! من این قدر آدم جاهل عجیب برحماقتی‌ام؟

– بله. خنده دار است که نمی‌دانید – جز مواردی – بنده سرخود راهم را کج نمی‌کنم بیایم در خانه‌تان و به فرمایش‌تان، مزاحم مزاج تان بشوم. معده، قلب و سر و پا و دست را خودتان می‌فرستید مریضخانه.

من چه کار دارم که برایتان میگردن و تب و ضعف و زکام و اسپهال و چشم درد و دندان درد و شکستگی بیایوم، عزیزم!

– ولی من که مدام دارم فرار می‌کنم از دست‌تان و شما چی مثل راهزن‌ها، راهم را سد می‌کنی. این حرف‌ها را لطفاً به خورد من بینوادند.

– کاری ندار! الساعه که بروم کیسه داروهایت را بیایوم بریزم روی میز، خجالت زده می‌شوی.

– چرا! – نبرس چرا!... چون جواش را خودت می‌دانی... از بس که دوا به خورد دل و روده مظلومت داده‌ای، آنجا مثل داروخانه شده... فقط منتظرلدن تو دارو را بفرستی که آن‌ها چپچندن توی قفسه... معلوم است دیگر وقتی روایت وار هی می‌روی دکتر و نسخه پشت نسخه می‌خری بهتر از این نمی‌شود.

– دکتر نرم؟ یعنی تجویز می‌کنید قرص و آمپول و شربت و سرم نگیرم؟

– چرا، برو! اما ورزش هم بکن، حرص هم نزن. آرام هم باش. ترسو هم نباش.

آدم که فقط جسم نیست، روح هم دارد. اگر آن بخش را دویپنگ نکنی، باخته‌ای‌بانوجان.

بیمارنوشت یک:دیگر تاسرَم تمام‌شود فقط جناب مریضی گفت و گفت و من سکوت مطلق بودم و به این فکر می‌کردم که چرا ایشان دست‌از سَرم بر نمی‌دارد؟ در نهایت هم به این نتیجه رسیدیم که شاید هر کسی، جناب بیماری خودش را داشته باشد!... این غرغروی کنه!

بیمارنوشت دو:اگر اسم بیماری‌ها آدم را نکندش، حاضر جوابی و سَرتقی و لنگر انداختن جناب مریضی، حتماً این کار را می‌کند.

نشریات جهان

ایستگاه / امیر محمد سلطان پور

پشت پرده فرانسه

نشریه فرانس فوتبال چاپ فرانسه که هر دو هفته یک بار به چاپ می‌رسد در تازه‌ترین شماره خود در مصاحبه‌ای اختصاصی به سراغ ستاره بی چون و چرای جام جهانی ۲۰۱۸ یعنی «کیلیان امباپه» رفته است. امباپه که تنها ۱۹ سال سن دارد بسیاری را تحت تأثیر بسازی زیبایی خود قرار داد و یکی از اصلی‌ترین عوامل قهرمانی تیم ملی فرانسه در جام جهانی بود. او در مصاحبه خود از پشت پرده تیم فرانسه،

از بازیکنانی که الگوی خود قرار داده مثل کریستیانو رونالدو گفته و از تلاش‌های فراوان مالک قطری باشگاهش پاری‌سن‌ژرمن برای خرید بهترین ستاره‌ها می‌گوید.

غار تگر

مانهامه سینمایی امپایر در تازه‌ترین شماره خود در پرونده‌ای به چهارمین قسمت از مجموعه فیلم‌های مشهور predator یا غار تگر که چند وقت دیگر در سینماها اکران خواهد شد پرداخته است. این مجموعه فیلم‌های علمی تخیلی و ترسناک که پیش از این در نسخه‌های قدیمی خود که حدود ۳۰ سال پیش اکران شد شاهد حضور ستارگانی مانند آرنولد شوارتزنگر و بتازگی «آدرین برودی» بوده، این بار از بازیگر جوان و آینده داری بهره می‌برد که البته انتظارات از آن بسیار زیاد است.

فیلترینگ در انگلیس

هفتنامه «بی‌سی اکتیو» چاپ انگلیس که تمرکزش بر جهان رایانه و فناوری است در اقدامی جالب توجه به تلاش برای دور زدن فیلترینگ در این کشور می‌پردازد. این نشریه به‌مطلب اصلی خود را به معرفی بهترین فیلترشکن‌ها برای دور زدن فیلترینگ در انگلیس اختصاص داده که شامل سایت‌های محدود شده آمریکایی برای مردم انگلیس نیز هست. اکتیو آموزش نصب وپندوز بر روی هارد دیسک‌های جانبی با ssd که این روزها رونق گرفته‌اند، برای رسیدن به سرعت بسیار بیشتر برای کامپیوترهای خانگی را نیز آموزش می‌دهد.

گزارش از شخص

به عمر ستاره‌ها

«علامه عطاردی» در شامگاه ۳ مرداد ۹۳ دعوت حق را لیک گفت

ایستگاه/ مجید تربت زاده

سه سال پیش، در همین صفحه، نوشتیم و نوشتند، گفتیم و گفتند که دردناک‌تر از رخداد مرگ «عزیز الله عطاردی»، ناشناخته ماندن دانشمند و پژوهشگری است که جامعه علمی کشور به خاطر پژوهش‌های قرآنی، تاریخی، جغرافیایی و حتی ادبی، حالا حالاها به او مدیون است. انکار، داغ این «ناشناختگی» حالا و هنوز هم که چهار سال از نبودن «علامه» می‌گذرد، تازه است. این درد، این داغ، امروز و در جهانی که خرد و کلاش، سلبریتی‌های کم مایه و بی مایه چهار گوشه جهان را بهتر و بیشتر از آدرس خانه‌شان می‌شناسند، حکایت تلخی است. آن قدر تلخ که به نظر می‌رسد تا سال‌ها کام و واقفه مان را برنجاند!

دعای شیرین بانو

جز یک «گرامیداشت» که آذرماه سال۸۵ و پیش از مرگش، بی سروصدا، برگزار شد، بزرگداشت‌های مناسبی و تشریفاتی چهار سال گذشته و یکی دو مصاحبه، هنوز اتفاق دیگری برای شناساندن «عطاردی» نیفتاده است! بنابراین برای نوشتن این گزارش، متوسل می‌شوم به بخش‌هایی از مطلبی که در نخستین سالروز رحلتش، نوشتیم: «مستان‌های سرد «قوچان» را فقط می‌شد با گرمای لذت‌بخش کرسی تاب آورد.

آن روز در خانه «حجی محمد عطاردی» همه فامیل کنار هم و زیر کرسی جمع شده بودند. حرف‌ها گل انداخته بود و بسرمای کم کم داشت از تن میهمانان بیرون می‌رفت. نقل دوره‌می‌های حدود ۷۰ سال پیش است و شما فکرش را بکنید که در د هیاهو و گرمای یک نشست فامیلی، کودکی ۱۰ ساله بی توجه به آن همه سرو صدا دودستی کتابش را چسبیده است. انکار شیرینی کتاب را از گرمای کرسی و شوخی‌های همسن و سال‌هایش بیشتر دوست دار. «شیرین بانو» زودتر از بقیه متوجه «عزیزالله» می‌شود. عادت کرده که پسرش را همیشه با کتاب ببیند، اما امروز و جلوی فامیل... حوصله مادر سر می‌رود، کتاب را از دست «عزیز الله» می‌گیرد و با لجه کرمانجی می‌گوید: آخرش دیوانه می‌شوی بسکه کتاب می‌خوانی... کتاب خواندن هم حدی دارد... می‌داند «عزیز الله» عشیق کتاب است و نیم ساعت دیگر باز سرش را می‌کند توی کتاب... همان طور وسط اشک‌های شوق برای پسرش دعا می‌کند: الهی عمرت به ستاره‌ها برسه... الهی موهای سینه ات سفید بشه... الهی همه این‌ها به تو محتاج بشن... دعای مادر کار خودش را کرد. عزیز الله عطاردی بیشتر از ۸۰ سال زندگی کرد و حاصل عمرش بیشتر از ۱۰۰ عنوان کتابی شد که جوانندگان بسیاری امروز محتاج خواندن آن‌ها هستند.»

سفرهای ریاضی!

کتاب «روایت عشق»، آغاز ماجرای زندگی «عطاردی» را از سال ۱۳۰۷ و روستای «بیکر» آغاز کمی کند و اینکه شخصیت اصلی داستان، مانند خیلی از عالمان دیگر علوم دینی از چهار سالگی به مکتبخانه می‌رود و بعد سروکارش به حوزه‌های علمیه قوچان و مشهد می‌افتد و چند سال بعد

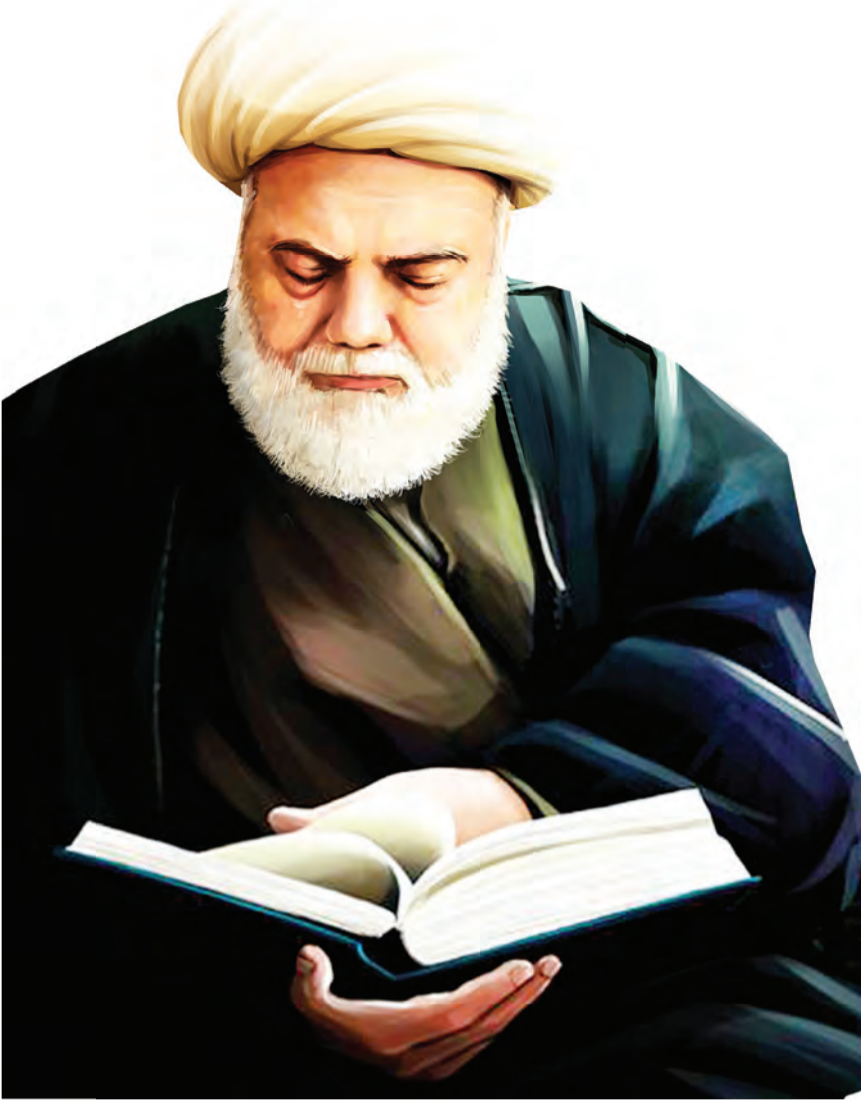
هم از تهران سر در می‌آورد.

البته زندگینامه هایی را که اینجا و آنجا در باره او نوشته‌اند اگر بخوانید، همه آن‌ها آغاز سفرهای پژوهشی او را سال ۴۲ و سفر زیارتی مکه می‌دانند، ولی واقعیت این است استاد «عطاردی» پیه دشواری‌های سفر را از همان نوجوانی به تنش می‌مالد و قید زادگاهش «بیکر» را می‌زند و به قوچان می‌آید و در ۲۰ سالگی به مشهد می‌رود و پس از مدتی تحصیل سفر تحصیلی پژوهشی بعدی‌اش را به مقصد تهران آغاز می‌کند. طلبه آن روزهای حوزه علمیه مشهد و سپس مدارس دینی تهران، مشاهده گر بسیار دقیقی است که با سخت کوشی مثال زدنی و اعتماد به نفسی که دارد وقتی سوزه‌های برای تحقیق، نظرش را جلب می‌کند تا ته و تو و همه جوانب آن را در نیابد و سندهای متعددی برایش پیدا نکند، آرام نمی‌گیرد.

کودک عشق کتاب سال‌های ۱۳۱۲، خصلت کتابخوانی‌اش را نه تنها کنار نمی‌گذارد بلکه از جوانی به خاطر همان علاقه به کتاب در هر شهر و دیاری به دنبال کتابخانه‌ها می‌گردد و حالا بهانه سفرهایش، پیدا کردن کتابخانه مختلف شده است. میان این همه کتاب و موضوعات مختلف از وقتی پایش را به مشهد می‌گذارد «نهج البلاغه» بیشتر از هر چیزی توجهش را جلب می‌کند و همه هم غم او می‌شود علی(ع) و نهج البلاغه و این علاقه و دغدغه تا وقتی نزدیک به ۱۰ عنوان کتاب شامل تألیف، تصحیح، تحقیق، ترجمه و... در باره نهج البلاغه می‌نویسد و حتی پس از آن نیز با او هست. سفرهای «عطاردی» جدای از شهرهای ایران شامل: عتبات عراق، سوریه، فلسطین، مصر، افغانستان، پاکستان، روسیه، ارمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، هند و... می‌شود. سفرهایش که «احمد مسجد جامعی» آن‌ها را زاهدانه و بسیار سخت و تنها با هدف پژوهش می‌داند. جالب اینکه همه این سفرها زمینی یا دریایی است و از هواپیمای جبری نیست و استاد در بیشتر سفرهایش در مساجد، مدارس و مکان هایی به جز هتل اقامت می‌کند.

دست تنها

زندگی «عطاردی» بیشتر همان کتاب‌ها، سفرها، پژوهش و نوشتن هایش است. این دلمشغولی ارزشمند آن قدر هست که ازدواج او را تا ۴۷ سالگی به تأخیر می‌اندازد تا سرانجام ۵۱ سال با برادر زاده شهید رجایی ازدواج کند. آن هم در مراسمی که شهید مطهری، علامه محمد تقی جعفری، علامه امینی و... حضور دارند و خطبه عقد را «محمد کاظم گلبایگانی» می‌خواند. زندگی او تا پایان عمر به همان سادگی سال‌های اول حضورش در تهران است. آغاز دهه ۳۰ وقتی که امام جماعت مسجد سید نصرالدین در خیابان خیام، برای نماز صبح در مسجد را باز کرد متوجه جوانی شد که در حال عبادت است. از او پرسید اینجا چه می‌کنی؟ جوان گفت: طلبه‌ام. از مشهد آمده‌ام و جایی بخوابم... امام جماعت با اصرار او را به خانه‌اش می‌برد و در پاسخ اعتراض اهل منزل می‌گوید: در چه‌راهش می‌بینم که به درد آینده اسلام می‌خورد... علامه عطاردی تا ۱۰ سال آنجا زندگی می‌کند. معروف است که همه کارهای کوچک



و بزرگ پژوهشی‌اش را به تنهایی و بدون کمک انجام داده است. البته اگر کمک‌های همسر و دخترش را در نوشتن و تایپ مطالب تمام نشدنی، کمک به حساب نیاورید!

ژاندارم گمنام

این خاطره را از قول حجت الاسلام «محمد رضا نوراللهیان» بخوانید: «فرمانده آن زمان نیروی انتظامی زاهدان انکار از مردانش بود. با تلاش زیاد، فرصتی پیدا کرده و آمده بود دیدار. علامه در این دیدار دوستانه، توصیه‌های فرهنگی و مینهن دوستانه کرد؛ به آقای فرمانده گفت در خراسان جایی داریم به نام دسرخ...زمان حمله روس‌ها ژاندارمی به نام «ده‌سرخ» در این منطقه تا آخرین فشنگ مقاومت می‌کنند... بعد هم آدرس و حتی نشانه‌های سنگ قبر ژاندارم را دقیق گفت. از فرمانده خواست قبر او را به عنوان نمادی از مینهن دوستی احیا کند.

علامه افسوس می‌خورد که پدیده‌ای به نام «سرباز گمنام» را همه جهان می‌شناسند و از او تجلیل می‌کنند اما ما نمونه وطنی‌اش در ایران مهربان نیستیم.»

طوس و «طوسه»!

تنها اگر بخواید فهرست وار به مجموعه آثار «علامه عطاردی» نگاهی بیندازید بازم نیازمند صرف زمان

منهای سیاست

سه گانه بهداشتی – روانی – تاریخی!



ایستگاه / امید ظرافتی |
اول: وزارت بهداشت، اول دستور جمع آوری دارو «والسارتان» را از تمام داروخانه‌های کشور صادر کرد و بعد هم اطلاعیه داد که: مواد اولیه این دارو از چین وارد شده و به یک سم سرطان زا آلوده بوده است اما هموطنانی که این‌ها را مصرف

کرده‌اند نگران نباشند، آن‌شاءالله که چیزی نمی‌شود! در اطلاعیه بعدی هم احتمالاً اعلام می‌کند... در هر حال عمر دست خداست و مرگ هم حق‌ا به نشانه همدردی به تمام هموطنانی که در اثر مصرف این دارو جان سپرده‌اند، یک قبر رایگان در بهشت زهرا سر دونیش، جنوبی، آفتاب گیر عالی با ویو استثنایی اهدا می‌شود!

دوم: فرزند «جمشید مشایخی» خطاب به خیل عظیم سلبریتی‌ها و بازیگرهای مبتلا به سندروم «عباس جدیدی» که برای گرفتن سلفی با پدرش روی تخت بیمارستان، به عیادت وی می‌آیند، به قول یک بنده خدایی گفت: «چه خبر تونه؟ چه خبر توووونه؟» و ادامه داد: «هیچ فرزندی دوست ندارد تصویر پدرش در چنین حالتی در معرض دید عموم قرار بگیرد». عباس جدیدی هم در واکنش به این خبر از دیشب رفته است اتاق و در را روی خودش بسته و هرچه می‌گویم بیا بیرون شامت را بخور، می‌گوید: «توموخا! چر من را با خودشان نبردند سلفی بگیرم؟»

سوم: یک قاضی در آمریکا دستور بازگرداندن یک قطعه سرقت شده از تخت جمشید را که در نیویورک به فروش گذاشته شده بود، صادر کرد. این قطعه ۸۰ سال پیش از تخت جمشید سرقت شده بوده و طبق بررسی ما، تنها قطعه تخت جمشید که هنوز دست «کامران و پروانه» برای حکاکی قلب تیر خورده و نوشتن نامشان، به آن نرسیده، همین قطعه است! گذشته از این‌ها خوششان آمد که ترامپ زود ماست‌هایش را کیسه کرد و از ترس «دم شیر»، این قطعه را برایمان پس فرستاد! فقط مانده چند فرزند هواپیمای بوئینگ و چند میلیارد دلار قسط و قرض که آن هم رقمی نیست و تا چند صباح دیگر آن‌ها را هم بریاعمی می‌فرستد!

مجاز آباد

روایت مرصاد



ایستگاه / در آستانه پنجم مردامه و همزمان با فرارسیدن سالگرد پیروزی رزمندگان کشورم در عملیات مرصاد مقابل گروهگ تروریستی منافقین، کاربران با انتشار هشتگ #روایت_مرصاد یاد شهادی این عملیات و این روز را گرمی داشتند. برخی از پست‌هایی که کاربران منتشر کردند را می‌خوانید: «قای

«ترامپ» جوانست به رفتار ت باشه وگرنه تنگه هرمز را مانند تنگه «چهارزیر» به گورستانی برای نیروهای شامتبدیل خواهیم کرد...روایت مرصاد یعنی ختم منافقین. یعنی ضربه آخر. یعنی ختم تمام نقشه‌های مستکبرین...فرمانده مرصاد کسی نبود جز خدای ترین رزمنده آن روز «علی صیاد شیرازی» که روایت مرصاد را بر قاموس شجاعت تاریخقلاباسلامی ثبت کرد...به‌یقین پروردگار تودر کمین مستمگران است.»

انرژی مثبت



تو اون لیخند رو می‌زنی. قول می‌دم» که پشت صندلی اتوبوس شرکت واحد چسباندن شده، در اینستگرام نوشته است:«اگه این نقاشی‌ها رو تو اتوبوس دیدید بدونید آدم خوش شانسئ هستید. فکرشو کنید تو این گرما بری سوار اتوبوس شی، شانسم بیاری صندلی خالی گیرت بیاد، وقتی هم نشستئ چشمت بقیته به این همه انرژی مثبت.»

هیس! استئولان خوابند



ایستگاه رسانه رسمی «پراتز باز» که با پست‌های اینستاگرامی‌اش از حقوق شهروندان حمایت می‌کند، در جدیدترین پست خود با انتشار تصویر رئیس جمهور در پشت فرمان یک پرسیده «به نظرتون نوشته پشت این کامیون چی می‌تونه باشه؟!» «کامیون نوشت» پاسخ‌های جالبی به این سؤال داده‌اند که برخی از آن‌ها را می‌خوانید: «رفیق با کلک، ترامپ... کلید جهنم پارمه... عاقبت فرار از مدرسه... هیس! مسئولین خوابن... بوق نزن اسحاق خواجه... نون و پنیر آوردیم برجامتونو بردیم... اسیر من نباش، من خودم رفتنیم... سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد وانچه خود داشت زیبگانه تمنا میکرد... سلطان غم حسن!».